



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: زوج یا زوجه تنها وارث باشند / میراث الأزواج.

در قرآن کریم در سوره نساء شش فرض و سهم برای ارث (ثلث و ثلثان و سدس و ربع و نصف و ثمن) و همچنین صاحبان این فروض بیان شده است که قبلاً خواندیم و به عرضتان رساندیم، بعد از توجه به این مطلب میان ما و عامه تفاوت بزرگی بوجود آمده که بحث ما به آن تفاوت مربوط می باشد زیرا گاهی ترکه زائد بر فروض است و گاهی کمتر از فروض می باشد که هر دو صورت را خواندیم و طبق فقه اهل بیت علیهم السلام حکم آنها را بیان کردیم ولی عامه در صورت زیاده و نقصان قائل به عول و تعصیب شده اند که این با فرهنگ و فقه اهل بیت علیهم السلام مخالف است، عول درجائی است که ترکه کمتر از فروض باشد که ما عرض کردیم نقص به افراد مشخصی وارد می شود ولی عامه نقص را سرشکن می کنند و به همه وراثت نقص وارد می کنند و اما تعصیب در جائی است که ترکه زائد بر فروض باشد که ما مقدار اضافه را به افراد مشخصی می دهیم ولی عامه زیاده را به عصبه میت یعنی خویشاوندان مذکر مثل برادر یا اجداد اَبی می دهند که تقریباً مقداری بوی جاهلیت از این حکم می آید و صاحب جواهر نیز می فرماید بوی غضب خلافت از این حکم می آید علیّیّ حال بحثمان فعلاً به همین عول و تعصیب مربوط می باشد به این بیان که زوج فوت کرده و تنها وارثش زوجه می باشد که خب

زوجه ربع می برد و سه ربع دیگر اضافه می آید و یا زوجه فوت کرده و تنها وارثش زوج می باشد که زوج نصف می برد و الباقی اضافه می آید.

اخبار اهل بیت علیهم السلام را به عرضتان رساندیم و گفتیم که صاحب وسائل در باب ۳ از ابواب میراث الأزواج روایات مربوط به صورتی که زوجه فوت کرده و زوج تنها وارثش می باشد را ذکر کرده که عنوان باب این است: "أن الزوج إذا انفرد فله المال كله" و این اخبار که نوعاً صحیحه و مورد عمل فقهاء ما هستند دلالت دارند بر اینکه تمام مال به زوج می رسد یعنی نصف را فرضاً و الباقی را ردّاً ارث می برد البته اخبار ۸ و ۹ از این باب ۳ دلالت داشتند بر اینکه اضافه به شوهر داده نمی شود.

صاحب وسائل در باب ۴ از ابواب میراث الأزواج صورتی که زوج فوت کرده و تنها وارثش زوجه است را بیان کرده و عنوان باب این است: "میراث الزوجة إذا انفردت" و این اخبار که نوعاً صحیحه بودند نیز دلالت داشتند بر اینکه زوجه سهم خودش یعنی ربع را می برد و الباقی به امام داده می شود و البته در این باب نیز یک الی دو خبر مخالف وجود داشت که مراجعه و مطالعه بفرمائید.

صاحب جواهر برای صورتی که زوج فوت کرده و تنها وارثش زوجه می باشد سه قول نقل کردند؛ اول اینکه تمام مال متعلق به زوجه است ربع را فرضاً و الباقی را ردّاً ارث می برد، دوم اینکه ربع را فرضاً می برد و الباقی به امام داده می شود و سوم اینکه اگر در زمان حضور امام معصوم بود زوجه ربع را فرضاً ارث می برد و الباقی به امام داده می شود ولی اگر در زمان غیبت بود تمام

غیبتہ فمتی مات الرجل و ترک امرأة لا وارث له غیرها
فالمال لها.

و تصدیق ذلك: ما رواه محمد بن أبي عمير عن أبان
بن عثمان عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه
السلام: في امرأة ماتت و تركت زوجها، قال:
"فالمال له" قلت: فالرجل يموت و يترك امرأته، قال:
"المال لها".

و هذا القول يوافق ما قرّبه الشيخ في (النهاية) من
الصواب.. الى آخر كلامه الشريف.^۱
بقیه بحث بمانند برای فردا إن شاء الله تعالى... .

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على
محمد و آله الطاهرين

مال به زوجه داده می شود و البته صاحب جواهر در
مورد این قسم سوم بحث مفصلی را مطرح کرده اند.
علامه حلی در مختلف الشیعة تقریبا پنج صفحه در این
رابطه بحث کرده و اینطور فرموده: «مسألة ۱۱: لو لم
یخلف کلّ من الزوجین سوی صاحبه؛ قال الشيخ في
(النهاية): یردّ علی الزوج النصف الباقي بالصحيح من
الأخبار عن أئمة آل محمد عليهم السلام، و أمّا
الزوجة فلها الربع بنصّ القرآن، و الباقي للإمام.
و قد روي أنّ الباقي یردّ علیها (زوجة) كما یردّ علی
الزوج.

و قال بعض أصحابنا في الجمع بين الخبرين: إنّ هذا
الحکم مخصوص بحال غیبة الإمام و قصور یده،
فأمّا إذا كان ظاهرا، فليس للمرأة أكثر من الربع، و
الباقي له علی ما بیّنناه، و هذا وجه قریب من
الصواب.

و قال الصدوق في (المقنع): فإن ترکت امرأة زوجها
و لم تترك وارثا غیره، فللزوج النصف، و الباقي ردّ
علیه، فإن ترک رجل امرأة و لم يترك وارثا غیرها،
فلمرأة الربع، و ما بقي للإمام المسلمین.

و کذا قال أبوه في رسالته (أی الفقه المنسوب للإمام
الرضا علیه السلام ۲۸۷)، که البته ثابت نشده که این
کتاب متعلق به امام رضا علیه السلام باشد) إليه.

و بما روى الصدوق في كتاب (من لا يحضره الفقيه)
عن أبي بصير عن الباقر عليه السلام عن امرأة ماتت
و تركت زوجها لا وارث لها غیره، قال: "إذا لم يكن
غیره، فالمال له، و المرأة لها الربع، و ما بقي
فالإمام"، ثمّ قال عقیبه: قال مصنّف هذا الكتاب:
هذا في حال ظهور الإمام علیه السلام، فأمّا في حال

^۱ مختلف الشیعة، علامه حلی، ج ۹، ص ۵۷، مسفله ۱۱، ط جدید.